

فراخوان به نیروهای چپ در سراسر جهان: در کنار مبارزات مردم ایران با یستید!

30 نوامبر 2019

بیانیه زیر توسط جمعی از فعالان مستقل و آکادمسین های چپ ایرانی در آلمان، انگلستان و فرانسه در بحبوحه قیام آبان ۹۸ نوشته شده است. بیش از ۱۵۰ مبارز، اکتیویست، آکادمسین و سازمان سیاسی مستقل چپ از سرتاسر جهان بیانیه را امضا کرده اند و همبستگی خود را با مبارزات شجاعانه و برحق مردم ایران ابراز کرده اند.

برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان، به [اینجا](#) رجوع کنید*.

این بیانیه همچنین به زبان های [آلمانی](#)، [انگلیسی](#)، [فرانسوی](#) و [یونان](#) و اسپانیایی انتشار یافته است.

«ما به شما میگوییم که مبارزات مردم ایران با یستید و ما در کنار شما هستیم.»

ما به شما میگوییم که مبارزات مردم ایران با یستید و ما در کنار شما هستیم. «ما به شما میگوییم که مبارزات مردم ایران با یستید و ما در کنار شما هستیم.»

یکی از تظاهرکنندگان در شیلی

جهانمان آتش گرفته است؛ نه فقط جنگلها، بلکه شهرها هم در سرتاسر جهان در آتش میسوزند. انواع و اقسام تضادهای اجتماعی در حال فوران اند و شعلههایشان را به کل این کره خاکی میگسترانند:

الجزایر، شیلی، اکوادور، هائیتی، هنگ‌کنگ، عراق، لبنان، سودان یا هرکجا که فکرش را بکنید. در بستر و بحبوحه‌ی مبارزات جهانی علیه دوزخ اجتماعیِ سرمایه‌داری مالی نولیبرال، از ۲۴ آبان ۱۳۹۸ خیزش عمومی دیگری در ایران شکل گرفته است. -

سه‌برابرشدن ناگهانی قیمت بنزین جرقه‌ای بود برای شروع اعتراضات ده‌ها هزار نفر در بیش از صد شهر. بی‌گمان، قیمت بنزین به‌خودی‌خود باعث چنین خیزش عظیم و گسترده‌ای نشد؛ بلکه علت اصلی آن، ۴۰ سال حکمرانی الیگارشی مبتنی بر اقتدارگرایی، حذف سیستماتیک مخالفان و سلب مالکیت بود که در اثر آن میلیون‌ها نفر بیکار شده یا در شرایط کاری بسیار بی‌ثبات قرار گرفته‌اند و از ملزومات اساسی زندگی (تحصیلات، بهداشت، غذا و مسکن) محروم مانده‌اند.

همان‌طور که در شیلی افزایش ۳۰ پزو در قیمت بلیت مترو بدرنگ لیب آتشی پنهان را به جهنم بدل ساخت، در ایران هم قیمت بنزین جرقه‌ی خیزش اخیر را زد (همین امر در مورد مالیات‌بستن بر استفاده از نرم‌افزار ارتباطیِ WhatsApp

در لبنان و حذف یارانه‌های سوخت در اکوادور و غیره نیز صادق است). دیوارنوشته‌ای در شیلی حالوهوای وضعیت را این‌گونه توصیف می‌کند: «موضوع نه بر سر □□ پزو، بلکه بر سر □□ سال نولیبرالیسم است».

از روز جمعه (۲۴ آبان / ۱۵ نوامبر) مردم ایران شجاعانه با ماموران تا بندندان مسلح سپاه پاسداران و مزدوران شبه‌نظامی و لباس‌شخصی بسیج نبرد می‌کنند، کسانی که به‌لحاظ اقتصادی وابسته به حکومت‌اند. مسلماً مردم «حق» دارند از خود در برابر خشونت نظام‌مند دولتی دفاع کنند، در خیابان‌ها سنگر بسازند، بزرگراه‌ها را ببندند و معابر و اماکن محلی را اشغال کنند.

آن کسانی که فراموش شده بودند و دیده نمی‌شدند، حال با آتشی که فروخته‌اند خود را نمایان می‌سازند. آتش برای آن‌ها حکم جلیقه‌ی زردی را دارد که پرولتاریا و جمعیت مازاد فرانسه به تن دارند؛ هر دوی این‌ها بناست صدایی به بی‌صدایان دهد. درحالی‌که تلویزیون «بی. بی. سی. فارسی» و رسانه‌های هم‌سو با آن، ازجمله نیروهای مرتجع سلطنت‌طلب (همچون تلویزیون «ایران اینترنشنال» و «من و تو») آموزه‌های لیبرالی «اعتراض صلح‌آمیز و مدنی» را تجویز می‌کنند، جوانان ایران به این واقعیت آگاه‌اند که «هیچ مردمی بدون نفرت به پیروزی نخواهند رسید»؛ که «نیروی مادی را باید با نیروی مادی

سرنگون کرد؛ و این‌که آن‌ها به‌طور مشروع و موجهی حق دارند از خویش در برابر خشونت نظام‌مند دولتی که شهروندان را می‌کشد دفاع کنند.

پیام مردم در جنوب جهانی و ورای آن یک جمله است: «دیگر بس است!». به‌همین سیاق است که دانشجویان در یکی از دانشگاه‌های تهران فریاد برمی‌آوردند: «ملت ما عاصیه؛ برده‌داری کافیه!». مردم ایران درست مثل خواهران و برادران‌مان در عراق و لبنان از سرمایه‌داری اقتدارگرایی که زندگی‌شان را به یک زندگی نباتی تنزل داده به‌تنگ آمده‌اند؛ از فساد نظام‌مندی که ذاتی سرمایه‌داری مافیایی است خسته شده‌اند؛ و از خُرده‌امپریالیسم جمهوری اسلامی در عراق و لبنان و فلسطین و سوریه و یمن و کل منطقه بیزارند. آن‌ها فقط با سه‌برابر شدن قیمت سوخت مخالفت نمی‌کنند؛ بلکه مخالفت آن‌ها با کلیت نظام جمهوری اسلامی است. هیچ شعاری بهتر از شعار رفقای‌مان در لبنان روح این رشته مبارزات را در بزنگاه کنونی را بیان نمی‌کند: «کلاً یعنی کلاً!» [همه‌شان بدون استثناء باید بروند!]. –

طبقه‌ی حاکم تاکنون با مشتی آه‌نین به این نفی رادیکال و عملی همه قدرت‌های موجود پاسخ داده است. شدت و ابعاد خشونت سیستماتیکی که جمهوری اسلامی برای فلج‌ساختن خیزش آبان به‌کار بست کم‌سابقه بوده است. مقامات حکومتی اینترنت را چهار روز متوالی به‌طور کامل قطع کردند و با این‌کار مملکت را به جعبه‌ی سیاه بزرگی بدل کردند تا با خاطری آسوده و مصون از هر گونه بازخواهی خون مردم را بریزند. طبق گزارش سازمان عفو بین‌الملل صدها نفر مجروح، هزاران نفر بازداشت و دست‌کم «۱۶۱ نفر در ۲۱ شهر کشته شده‌اند». البته «شمار واقعی کشته‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر است و بنا به برآورد برخی گزارش‌ها به بیش از ۲۰۰ نفر می‌رسد». ویدیوهای بسیاری نشان می‌دهند که پلیس به سر و سینه‌ی تظاهرکنندگان تیراندازی می‌کند؛ شیوه‌ای که در عراق نیز عیناً شاهد آن بودیم. این تیراندازی‌ها خصوصاً در استان‌های کردنشین و عرب‌نشین روی داده‌اند که مردم محروم‌شان بار دیگر در خط مقدم خیزش هستند و بیشترین هزینه را داده‌اند. –

جمهوری اسلامی تاکنون در دستیابی به اهدافش موفق بوده است؛ حاکمان از فرصتی که تحریم‌های آمریکا برای تحقق رؤیاهای نولیبرال‌شان به‌ارمغان آورده بود استفاده کردند تا هم از شر کسری بودجه‌ی فعلی خلاص شوند و هم منابع کافی برای افزایش عملیات نظامی‌شان در منطقه فراهم آورند. آن‌ها برای این منظور اینترنت را قطع کردند و به‌واسطه‌ی آن به کشتار وحشیانه‌ی مخالفان‌شان پرداختند. در سطح بین‌المللی، سرکوب دولتی در ایران نه پوشش رسانه‌ای مشخصی داشته و

نه محکومیتی را در پی داشته است؛ همچنان که همبستگی ابرازشده از جانب چپ جهانی هم بسیار اندک بوده است. به بیان دیگر، حمام خون در سکوت مطلق رخ داد. یک دلیل این رویکرد شگفت آن است که برخلاف طبقات محروم در ایران و خاورمیانه که هیچ توهمی درباره‌ی نقش «ضد امپریالیستی» جمهوری اسلامی ندارند، بسیاری در اردوگاه چپ همچنان به بازنمایی ایدئولوژیک رژیم از خویش (در مقام نیرویی ضد امپریالیست در برابر آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه) باور دارند. چپ نیازمند آن است که از طبقات تحت‌ستم و سرکوب‌شده بیاموزد، تا هم با امپریالیسم آمریکا (به‌ویژه تحریم‌های آمریکا) مخالفت کند و هم با مداخله‌جویی‌های جمهوری اسلامی در منطقه.

ما امضاءکنندگان این بیانیه، به‌عنوان جمعی از فعالین و دانشگاهیان چپ، از نیروهای چپ در سراسر جهان تقاضا می‌کنیم که سکوت خود را بشکنند و با مردم ایران و مقاومت‌شان اعلان همبستگی کند. برای ما بی‌معنیست که از جمهوری اسلامی چیزی مطالبه کنیم، ولی از رفقایمان و دیگر نیروهای پیشرو در سراسر جهان می‌خواهیم تا به هر شکلی که می‌توانند صدای مردم سرکوب‌شده ایران باشند که در خفقان این انزوای تحمیلی قرار گرفته‌اند. ما همچنین از چپ بین‌المللی می‌خواهیم جنایات قساوت‌بار رژیم ایران علیه مردمش را محکوم نماید.

و در پایان، همبستگی خود را با معترضان در ایران اعلام می‌کنیم؛ کسانی که با تن‌دادن به ریاضت اقتصادی و اقتدارگرایی و نظامی‌سازیِ جامعه و هر نوع سلطه‌ای که خودمختاری و آزادی‌شان را سرکوب کند، کرامت انسانیِ خویش را باز می‌جویند.

* * *

پی‌نوشت: برای پشتیبانی از بیانیه می‌توانید امضای خود را تا ۳ دسامبر (۱۲ آذر) به نشانی ایمیل زیر ارسال کنید:
azadi_subversion@riseup.net

_* برای دیدن لیست کامل امضاکنندگان به [اینجا](#) رجوع کنید. این فهرست تا تاریخ سوم دسامبر به‌روزرسانی می‌شود.

فارسی Persian

فراخوان به نیروهای چپ در سراسر جهان: در کنار مبارزات مردم ایران بایستید!

انگلیسی English

Leftists worldwide, stand by the protesters in Iran

فرانسوی French

SOULÈVEMENT EN IRAN : UN APPEL

آلمانی German

Solidarisiert euch mit den Protestierenden im Iran ! Aufruf an linke Genoss*innen weltweit

یونانی Greek

Παγκόσμια Αριστερά, στάσου αλληλέγγυα με τον διαμαρτυρούμενο λαό του Ιράν

نامه سرگشاده به وزیر امور

خارجی آلمان و نخست وزیر ایالت راینلند فالز

نامه سرگشاده زیر به وزیر امور خارجی آلمان آقای هیکوماس و نخست وزیر ایالت راینلند فالز و رئیس سراسری حزب سوسیال دمکرات در آلمان خانم مالو دریر ارسال گردیده و از این مسئولین خواسته شده که در مقابل عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی ایران نسبت به مبارزات مشروع مردم ایران سکوت نکنند.

سرکار وزیر محترم وزارت خارجی آقای هیکوماس

سرکار خانم محترم مالو دریر رئیس حزب سوسیال دمکرات آلمان

مطمئناً آگاهید که چگونه بسیاری از مردم در اعتراضات، مستقیماً توسط ارگان های امنیتی ایران گلوله باران گشته اند.

آمار کشته شده گان خود گویای همه چیز است. مطمئناً شما میدانید که تا کنون چه تعداد دستگیر گشته اند. بیش از هزار نفر تا کنون دستگیر شده اند و همواره دستگیری ها ادامه دارد. مطمئناً آگاهید که چه تعداد انسان توسط عملیات مسلحانه رژیم ایران سخت مجروح گشته اند.

مدارک نشان می دهند که رژیم ایران با خشونت انسانی را که برای حقوق مشروع شان به خیابان آمده اند سرکوب نموده است و می نماید.

بالا رفتن قیمت بنزین دلیلی بود که میلیون ها انسان در تمامی کشور به خیابان بیایند و سیستم را در تمامیتش زیر سؤال ببرند و بسیار گویا نشان دهند که آنها دیگر حاضر نیستند در این سیستم زندگی کنند.

خواسته ها و شعار های مردم در روزهای گذشته نشان دادند که مردم از این رژیم بستوه آمده اند و دیگر این سیستم را نمی خواهند.

رژیم ایران تلاش می کند با تهدید و ایجاد ترس و فشار و سرکوب هر فریادی برای دمکراسی را در سینه ها خفه کند. متأسفانه میبینیم که دولت آلمان و اتحادیه اروپا تا کنون با وجود دلایل و شرایط کاملاً

روشن در مقابل این عملیات گسترده رژیم علیه مردم ایران هیچ عکس العملی نشان نداده است.

تنها همواره از سوی آنان اشاراتی گمراه کننده بیان می شود. مردم ایران برای دست یافتن به مطالبات قانونی و مشروعشان نیاز به پشتیبانی و همبستگی دارند. این مسئله زمانی ممکن خواهد بود که جامعه جهانی و از همه مهمتر کشورهای اروپایی به صراحت با این رویه رژیم ایران مخالفت نمایند.

اما میبینیم که متاسفانه تا کنون چنین نبوده است.

اعتراضات در منطقه خاورمیانه بر علیه جمهوری اسلامی بسیار گسترده است و در حال حاضر انسانها در عراق و لبنان به خیابان ها گسیل شده اند تا به دخالت های ایران در امور داخلی کشورشان اعتراض نمایند.

در حال حاضر باز هم مردم این منطقه قربانی می شوند ولی متاسفانه موضع مشخصی از سوی اروپا در مقابل دخالت های رژیم ایران وجود ندارد. ما نظرات شما را خوانده ایم اما متاسفانه کافی نیست.

مردم ایران حافظه خوبی دارند. آنها بارها برخاسته اند و اعتراض نموده اند و در این اعتراضات قانونی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در نهایت قتل عام گشته اند.

جامعه جهانی از جمله جمهوری فدرال آلمان از این وقایع و اخبار تا کنونی کاملاً مطلع است اما تا کنون هیچ حرکتی در مقابل آن انجام نداده است.

در حال حاضر اعتراضات داخلی و بین المللی علیه نظام جمهوری اسلامی در ایران و برای آزادی و دموکراسی و طرد کلیت نظام ادامه دارد.

اکنون زمان آن رسیده است که با یک سیاست قابل لمس به رژیم جمهوری اسلامی ایران فشار آورد تا دست از سرکوب و کشتار مردم ایران در اعتراضات مسالمت آمیزشان بردارد.

اکنون بسیاری از مردم ایران در سوگ قربانیان اعتراضات کنونی نشسته اند و متاسفانه هیچگونه امکانی برای علنی کردن این سوگواری در مجامع و رسانه ها و افکار عمومی ندارند.

خانم و آقای محترم وزیر

شما شاهد بودید که رژیم ایران با بستن اینترنت قصد داشت سرکوب ترسناک و گسترده نظامی بر علیه مردم ایران را از افکار عمومی جهان مخفی نماید.

چه مدت دیگر قصد دارید بجای پشتیبانی از مردم تهدیدست ایران و حمایت از اعتراضات آنان، این شرایط و وضعیت را تحمل نمایید.

هیچ چیزی نمی تواند این عملکرد رژیم ایران را مشروع نماید. این رویکرد رژیم ایران با منشور جهانی حقوق بشر به هیچ وجه سازگار نیست.

لذا ما از شما درخواست می کنیم که دست بکار شوید و از دولت ایران بخواهید که فوراً تمامی افرادی را که بدلیل عقاید و خواسته های قانونی شان بپا خواسته اند و دستگیر شده اند، را آزاد نماید.

ما از دولت فدرال آلمان و اتحادیه اروپا می خواهیم که آشکارا و علنی رویکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمایند و از رژیم بخواهند تا دست از اقدامات وحشیانه بر علیه مردم ایران بردارد.

باید یک هیئت مستقل به ایران برود و از اوضای ایران به ویژه زندانها دیدن نماید و نتیجه گیری قاطع نماید.

اقدامات مشخص بر علیه جمهوری اسلامی ایران ضروریست.

دولت فدرال آلمان تاریخی بهترین روابط تجاری و اقتصادی را با ایران داشته است و با خدشه دار کردن گسترده حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی، مردم ایران نباید قربانی این مناسبات تجاری و اقتصادی شوند.

ما از دولت فدرال آلمان می خواهیم که خواسته های مردم ایران را برای رسیدن به دموکراسی و آزادی درک نمایند و از آن پشتیبانی کنند.

ما از شما درخواست می کنیم تا به زودی قرار ملاقاتی بگذارید تا در مورد جزئیات با هم بیشتر صحبت کنیم.

بخشی از فعالین شهر ماینس

Demokratische Forum der Iraner

C/0 Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP

Albert-Schweitzer-Str 113-115

Mainz 55128

11 دسامبر : گردهمایی بزرگ
ایرانیان اروپا
در برابر پارلمان اروپا -
بروکسل

ملت ایران دیگر طاقت تحمل حکومت اسلامی را ندارد

خیزش آبانماه شبیه قیامی بود که در جریان گرانی قیمت بنزین، با شعارهای براندازانه نعل جوان شعله ور شد و نشن داد که مردم ایران خواهان سرنگونی نظام ضد انسانی و ضد ملی جمهوری اسلامی هستند.

مردم زیر بار مسم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و افزایش سرسام آور قیمتها، کارد به استخوان شان رسیده به اعتراض برخاستند و به هنگام سرکوب جنایتکارانه رژیم، از خود دفاع کردند. اکنون هزاران معترض در زندان اسیر هستند. آنها زیر شکنجه های وحشیانه قرار دارند و خطر اعدام آنها را تهدید می کنند.

ما صدای آزادیخواهانه مردمی هستیم که علیه حکومت اسلامی بپا خاستند و برانیم تا پیام آنها را به آگاهی جامعه اروپا، پارلمان اروپا و جهات بین برسانیم.

در ایران ما، چهل سال نظام تبعیض، آپارتاید جنسی، غارت، استبداد، سرکوب، شکنجه و اعدام حاکم بوده و حکومت اسلامی بطور سیستماتیک مرتکب جنایت در ایران و منطقه شده است. ایرانیان حکومت اسلامی را دیگر تحمل نمی کنند و ما نیز خواست سیاسی مردم را خواست خود می دانیم و انتظارات مان را از اتحادیه اروپا، مردم اروپا و جهات بین به شرح زیر اعلام می داریم:

1-توقیف اموال مسئولین حکومتی، نمایندگان مجلس، نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و شبکه های مافیایی پیرامونی آنها

2-اعزام نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا و سازمان ملل برای دیدار با زندانیان و خانواده جانبازان خیزش خودجوش مردمی آبانماه

3-حمایت از مبارزات ملت ایران برای رهایی از اسارت حکومت و دستیابی به حق حاکمیت بر سرنوشت خویش

4-حمایت از نهادها و سازمانهای مدنی در جهت استقرار ارزش انسانی و حقوق بشر

ما با تاکید به شرایط حساس میهنمان و ضرورت تام همبستگی ملی، دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم، کنشگران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از نهادها و فعالین سیاسی و مدنی دموکرات و ملی درخواست داریم که با حضور در همایش 11 دسامبر مقابل پارلمان اروپا، با مبارزات آزادیخواهانه مردم اعلام همبستگی کرده و در عین حال، صلاحیت سیاسی و حقوقی جمهوری اسلامی برای نمایندگی ملت ایران را بی اعتبار کنیم.

هماهنگی ایرانیان - اروپا

برای پشتیبانی از قیام مردم ایران

<http://nedayeazady.org/wp-content/uploads/2019/12/VIDEO-2019-12-04-09-15-35.mp4>

سیزدهم آذرماه، روز مبارزه با

سانسور گرامی و آفتاب آزادی بیان فروزان باد!

آذرماه امسال در حالی به پیشواز روز مبارزه با سانسور-اعلام‌شده توسط کانون نویسندگان ایران- می‌رویم که جای‌جای ایران داغدار فجایعی است که از رویارویی مردم با مجریان دستگاه سانسور برجای‌مانده است. هیولایی که تا پیش از آن چنگال‌های حذف، ارباب و سرکوب را ریاکارانه بر دهان و گلوی مردم می‌فشرد و با موازینِ خودساخته افراد و گروه‌ها را به سیاه‌چاله‌های بازجویی، بازداشت‌های طولانی، دادگاه‌های غیرعلنی، حبس‌های تعزیری و تعلیقی و اعتراف‌گیری‌های اجباری می‌فرستاد و با حکم‌های واهی، هر آزاداندیش و کنشگری را به زندانی سیاسی، ممنوع از کار و ممنوع از خروج تبدیل می‌کرد، دیگر بار دروازه‌ی مکان‌های نامعلومش را به دست نهادهای نامعلومش گشود، به نفس‌های اعتراض مردم زنده هجوم آورد و بغض‌های به فریاد آمده را آشکارا به گلوله بست.



سانسور که بسیار کوشیده بود با قتل‌های سیاسی-زنجیره‌ای و طرح ترور دسته‌جمعی نویسندگان، جامعه را از تفکر انتقادی تهی کند، حصارها را برپا داشت و تمام فضای عمومی و خصوصی زندگی مردم را بلعید. مفاهیم ادبی و فرهنگی را از کتاب‌های آموزشی تاراج کرد تا الگوی ایدئولوژی و هدف‌هایش در مغز نسل‌ها جایگزین شود و با حبس کنسرت‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها، صدای زنان و فعالان، لغو و محدود کردن مجوزها، مسدودسازی و کاهش دسترسی به اطلاعات، حذف رسانه‌های مستقل، گروه‌ها، ممانعت از ایجاد تشکله‌ها و برگزاری تجمع‌ها و با اعمال مالکیت مستبدانه بر صفحات شخصی و شبکه‌های اجتماعی، نمای کوتاهی شد از مستند تاریخی که بر این سرزمین به اجرا درآورد.

در روزهای اخیر دیدیم سانسور با هوش سیاه خود اولین حکومتی شد که هراسان رسیدن واقعیت به گوش جهانیان، تمام راه‌های ارتباط مجازی را بست تا در سکوتی محض، صدای معترضانی را به گلوله ببندد که برای پاسداشت هرچه تمام‌تر منابع و حیاتشان و برای آرمان زندگی بهتر نسل‌ها از مشروطه تا امروز خون‌ها فشانند، اما از بدیهی‌ترین حقوق بشری، شادی، آینده، زیبایی، هنر، فرهنگ و حتی حق داشتن معیشتی امن محروم شدند. با قطع سرتاسری اینترنت، فرمان خاموشی

صدای ایران صادر شد و در این میان آنچه کمترین اهمیتی نیافت هدررفت منابع هنگفت مردمی و خسارات مترتب بر هستی آنان بود. سهم کلانی از ذخایر اقتصادی و توان پژوهشی کشور صرف طراحی و اجرای پروژه‌ی تاریخی جداسازی مجازی مردمی از جهان شد که باید تاوان بی‌کفایتی ساختار حاکم را می‌پرداختند و درحالی‌که سخنگویان قدرت، نیروی سیستم را در اعمال بی‌سابقه‌ی این شکل مدرن و پیچیده‌ی سانسور می‌ستودند، شریان اقتصاد و رسانه مسدود شد تا با تأکید بر مصادیق و بهانه‌های ناروا، اطفای خشونت‌بار آتش فریادها و گم‌شدن، بازداشت و کشتار هزاران تن توجیه شود.

این‌ها البته ختم کلام تمامیت‌خواهی نظام مبتنی بر سانسور نیست؛ اجرای عملیات «اینترنت ملی، اینترنت» با توان کنترل حداکثری افراد و گروه‌ها، در دستور کار دولت است تا رسانه‌ی حاکم تنها صدایی شود که حق سخن و حکم راندن بر مردم را دارد. مردمی که در این ساختار گویا فقط نقش سیاه لشکری آماری دارند که حاکمیت از آن‌ها مشروعیت سیاسی بگیرد.

اما همگان دیدند مردمان محروم از حق مطالبه و حتی دفاع از خود، نشان دادند که در تلاش برای رسیدن به جامعه‌ی مدنی و آزاد، باید کنش جمعی علیه سانسور و رسیدن به آزادی اندیشه و بیان از مهم‌ترین مطالبات و اهداف باشد، پس به‌رغم خطرات جانی و علمی‌رغم محاصره‌ی نظامی مجازی و واقعی، فریاد اعتراضشان را به صف‌های تادندان مسلح امنیتی کوبانند تا حصارها را بشکنند.

کانون نویسندگان ایران با نکوداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور یاد همه‌ی جان‌دادگان دفاع از آزادی بیان و دلاوری علیه خفقان را پاس می‌دارد، خواهان آزادی بی‌قیدوشرط همه‌ی کسانی است که به دلیل بیان نظر، عقیده یا اعتراض از حقوق انسانی خود محروم شده‌اند و از آزادی خواهان و سانسور ستیزان ایران و جهان می‌خواهد با گرامیداشت سیزدهم آذر روز مبارزه با سانسور و پیگیری و بازخواست حق‌راستین «آزادی بی‌هیچ حصر و استثنای اندیشه و بیان»، امروز را به فردایی روشن پیوند دهند.

کانون نویسندگان ایران

همبستگی مردم لبنان و غزه با خیزش اجتماعی در ایران

این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز "نه غزه، نه لبنان...
جانم فدای ایران..." کجا

حماد شیبانی

این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق، پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران مکرراً شنیده و دیده میشود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی که هم‌رأی با مردم هستند، در رسانه ها بر پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می‌ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و جمهوری اسلامی ایران را تذکر می‌دهند. این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز: "نه غزه، نه لبنان... جانم فدای ایران..." کجا. روحیه ای در تضاد کامل با سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم، که باعث تفرقه و جدایی بین مردمان منطقه شده است.



روزنامه لبنانی "الانباء" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست پیشرو (طایفه دورزی - ولید جنبلات مخالف کنونی ائتلاف حاکم) نوشته ای را به نقل از روزنامه "المانیتور" درباره تأثیر تظاهرات مردم ایران در سیاست خارجی حکومت اسلامی در ایران منتشر کرد. نویسندگان این مقاله حمیدرضا عزیزی، استادیار مطالعات منطقه ای در دانشگاه "شهید بهشتی" و عضو شورای علمی پژوهشگاه اوراسیا و مطالعات ایران در تهران، است.

نویسندگان در ابتدای مقاله خود از تصمیم تهران مبنی بر افزایش قیمت بنزین، که موج اعتراضاتی قوی و تقریباً سراسری را در ایران برانگیخت، صحبت می‌کند. او ادعا می‌کند که اگرچه دولت ایران

توانست جنبشهای مردمی را (جمع کند)، اما هم اکنون بحثهای زیادی درباره این جنبش همچنان مطرح است و بحثها موضوعاتی از قبیل علل بروز اعتراضات تا نتایج آن با توجه به تأثیر احتمالی در سیاست خارجی ایران را در بر می گیرد، به عنوان مثال، این که، دولت آمریکا معتقد است که آنچه در ایران رخ داده اثبات این مدعاست که کارزار فشار شدید دونالد ترامپ بخوبی کار می کند و مردم ایران را در برابرسیستم سیاسی حاکم قرار داده است.

نویسنده الانباء ادامه م ی دهد:

نمایند و نیز ایالات متحده در امور ایران "برایان هاوک" نیز ضمن ابراز خوشحالی کشورش از اعتراضات در ایران تأکید کرد که حداکثر فشار ادامه خواهد یافت. ترامپ و "مایک پومپئو" وزیر امور خارج آمریکا نیز درباره این تظاهرات اظهار نظر کرده اند.

اتحادیه اروپا از دولت ایران خواسته است که "در برخورد با اعتراضات" حداکثر خویشتن داری را رعایت کند، در حالی که آلمان و فرانسه از اوضاع ایران بشدت ابراز نگرانی کرده اند. در پاسخ به این اظهارات، عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارج ایران، تحادیه اروپا را به مداخله در امور داخلی ایران متهم کرد و تعهدات اروپا در توافق هسته ای (!؟) را به آنها یادآور شد.

نویسنده (حمیدرضا عزیزی) مدعی است "حمایت از تظاهرکنندگان این روایت حکومت اسلامی ایران را برجسته می کند که هدف واقعی ایالات متحده از طریق کمپین فشار این نیست که ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد بلکه انگیزه اش "تغییر رژیم" در ایران است، بنابراین هیچ شکلی از تعامل دیپلماتیک با آمریکا به ثمر نخواهد رسید. به قول حمید رضا عزیزی، ایران به اجرای سیاست "مقاومت (کذا) حداکثر" ادامه خواهد داد.

مقاله ادامه چنین می دهد که از سوی دیگر، احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان، اظهار داشت که فرانسه و آلمان، ایالات متحده را در مواضع مربوط به اعتراضات (مردمی) همراهی می کنند. به گفت آقای عزیزی، اعتراضات اخیر بر سیاست منطقه ای ایران نیز بازتاب خواهد داشت، بویژه به موازات ادام اعتراضات در عراق و لبنان، جایی که ایران معتقد است برخی قدرتهای خارجی سعی در تضعیف ایران و متحدان منطقه ای آن دارند.

حمید رضا عزیزی، در نوشت خود به این نتیجه رسیده است که تظاهرات

اخیر می تواند منجر به تحکیم روابط ایران با روسیه شود و گویی از زبان سخنگوی دولت اسلامی حاکم بر ایران، تهدیدها صادر می کند و می گوید شرایط کنونی مواضع ایران در قبال غرب و رقبای منطقه ای آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روابط آن را با شرکای فعلی خود تقویت خواهد کرد.

وقایع اخیر لبنان (تلاشهای دو سه روز گذشته) بسیجیهای امل و حزب الله که بارها در جای جای این کشور دست به آشوبهای جنون آمیز زده اند) و نیز جنبش مردمی در عراق - که دولت ایران در هر دو مورد حامی کاربرد خشونتهای مرگبار علیه نیروهای انقلابی و معترضین خیابانی شده است - دخالت جمهوری اسلامی را در پیگیری سیاستهای آن مبتنی بر تشنج آفرینی و دخالت توسعه طلبانه، با اتکاء به روابطش با روسیه، آشکار می کند و چهره واقعی آنرا در جنگ نیابتی جاری در منطقه، میان طرفهای امپریالیستی و ارتجاعی و به زیان خلقهای مبارز و به جان آمدن خاورمیانه را، روشنتر می کند.

در برابر این مواضع دشمنانه، این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران شنیده و دیده می شود. بسیاری از تحلیلگران همراهِ با مردم در رسانه ها به پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و رژیم جمهوری اسلامی در ایران را تذکر می دهند.

مسئولیت ما و این همه خبر!

حماد شیبانی

این روزها همزمان با اعتراضات گسترده مردم، فیلمهای متعددی در رابطه با آتش زدن و تخریب مراکز مختلف حکومتی و بانکها، پمپ بنزینها، فروشگاهها و حتی خودروهای شخصی مردم عادی، در سطح وسیعی منتشر شده است.



تاکنون هیچ گروه یا شخصی از میان شرکت کنندگان در درگیریهای اخیر ایران مسئولیت این وقایع را برعهده نگرفته است. تنها در یک مورد آنهم به دلیل حضور دزدان نبروهای امنیتی در پوشش اورژانس و با استفاده از یک یا چند آمبولانس برای دستگیر کردن معترضین بویژه زخمیها از سوی مردم شناسائی شده و به آتش کشیده شده است.

برعکس در مواردی دیده و گزارش شده که گروههایی پرشمار از عناصر کاملاً مجهز به وسایل تخریب با صورتهای پوشیده و لباسهای متحدالشکل و رزمی با اتومبیل یا سوار بر موتورهای همشکل، ناگهان در یک محل ظاهر می شوند و بصورت کماندوئی "عملیات تخریبی" انجام می دهند و ناپدید می شوند. رژیم و باندهای رسمی و غیررسمی آن (بسیج و پاسداران) و سازمانهای امنیتی دولتی در ایجاد اقدامات تشنج آفرین حتی در ایجاد آشوبهای خیابانی و نفوذ در تظاهرات اعتراضی مردم و شورشهای برحق آنان، ید طولائی دارد. دستگاه سرکوب در جلوگیری از تعمیق جنبشهای مدنی و مطالباتی و صنفی جامعه و راندن موج ستمدیدگان بسوی اقدامات کور به منظور تسهیل سرکوب و توجیه سیاستهای قهرآمیز خود مهارت دارد. دستگیریهای خشونتبار و اعدامهای گروهی (در چارچوب شوک درمانی و استفاده از تجربی مشترک هم جناحهای حکومتی، درج مطالب فرمایشی و تحریفی در رسانه های زرد داخلی و خارجی مشاطه گر) از مهارتهای دیگر این حکومت است.

امروزه خیابانهای شهرهای ایران آبدستن خیزشها و اعتراضهای جدید است. انبوه میلیونی شهروندان اعم از کارگران، زنان، جوانان، خیل عظیم بیکاران، بازنشستگان، کشاورزان، دانشجویان، معلمان و استادان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، و سایر گروههای اجتماعی به شمول ملیتهای مختلف و باورمندان به مذاهب و اندیشه های غیرحکومتی، از زندگی تحت سلطه این حاکمیت به تنگ آمده اند. مردم ایران همچنان در مقابل چرخه خشونت حکومتی مقاومت می کنند و شرایط سریعتر از گذشته به موقعیت انقلاب ناگزیر نزدیک می شود.

حکومت نیز غرق در فساد و ناکارائی، ناتوان از ادامہ اقتدار جهنمی

[illegible][illegible]

[illegible]

پایان نقل قول. انشای این چند پاراگراف و کلماتی که در تدوین این ادعای نامه بکار برده شده است را لطفاً به دقت بخوانید. راستگی است. مخاطب نهائی این نوشته کی و کجاست؟!

خطر بسیار جدی است. رژیم در تدارک کشتار گستردۀ جدیدی بویژه در حق دستگیرشدگان است. عاملان و آمران سرکوب و کشتار مردم که از هیبت امواج کوبندۀ اعتراضات مردمی سرگیجه گرفته اند در نهایت دستپاچی از خیزش کنونی به عنوان "جنگ بزرگ جهانی" یاد می کنند و آنرا به خارج از کشور، طرفداران نظام پیشین یا مجاهدین و "فروغ جاویدان"2 نسبت داده و خشونت جهنمی خود را تحت عنوان "مرصاد 2" به رخ معترضان می کشند.

مردم و نیروهای آزادیخواه و نیز افکار عمومی بین المللی فراموش نکرده اند که در حکومت فعلی ایران، با دست زدن به کشتارها و اقدامات فاشیستی و سرکوبگرانه، از همان نخستین ماههای به قدرت رسیدنش چه آشوبهایی را در مناطق مختلف کشور که نوع دیگری از زندگی و حکومت را می خواستند برپا کرد. داستان توطئه ها علیه شوراهای مردمی در سنندج کردستان و گنبد ترکمن صحرا، وتبریز آذربایجان، محمر خوزستان و... فراموش نمی کنند. مردم نمونه هولناک پوشیده نگه داشته شد قتل عام زندانیان سیاسی در سال 67 را فراموش نکرده اند و این را هم که چگونه از طریق قطع کامل ملاقات زندانیان با خارج از زندان و قرار دادن مردم ایران در بیخبری از فرزندان خود، طی نزدیک به سه ماه هزاران تن از شریف ترین فرزندان سرزمین ما را به جوخه اعدام سپرد.

کیست که فراموش کند، در سال 88 چه بر سر مردم آمد. جرم میلیونها معترضی که در مسالمت جویانه ترین شکل ممکن، مطالبه آرای دزدیده شد خود در انتخابات کذائی آن سال را در خیابانها فریاد می زدند و سرکوب شدند، چه بود.

شواهدی بسیار از موارد تاریخی دست داشتن حکومت در ایجاد آشوب و

نسبت دادن آن به مردم وجود دارد. اکنون این راز توسط برخی از ارگانهای دولتی و در جریان تصفیه حسابهای جناحی خود برملا شده است. (*) این رازها همچنین براساس اعترافات برخی از دست اندرکاران سابق که یا خود حکومت را ترک کرده اند و یا به دلایل مختلف از حاکمیت به بیرون پرتاب شده اند، روشن شده است، شهادتهایی که در دفاتر نهادهای مختلف حقوق بشری و دادگاههای رسیدگی به اعمال جمهوری اسلامی ثبت شده است.

اما اگر مثلاً فرض کنیم شخصی عصبانی یا کسی از بین مردم از این نوع اعمال خودجوش انگیزه می گیرد، فکر می کنم که سؤال از این طریق و توجیه اخلاقی برای فقدان "شواهد" عینی، و بخصوص وقتی که قاتلان مردم در مقام قوّه قضائیه دست اندر کار بازتولید مدارکی برای توجیه جنایات خود هستند، (هیجانی شدن) و دامن زدن به (فیک نیوز)، نه فقط به نفع جنبش نیست، بلکه سخت علیه آن است. مسئولیت اداره کنندگان یک نشریه اپوزیسیون وقتی گزارش وقایع را می خوانند و تحلیل ارائه می دهند و بر اساس این "گزارشات" و "شاهدعینی"ها و "شهروند خبرنگار"ها و "ارتباط ویژه"ها، رهنمود می دهند کجا رفته است.

درست است که ما تبعیدیان و مهاجران، به خاطر آنچه در خانه اتفاق می افتد حالتی نگران و عصبی داریم، اما، تجربه و دانشمان کجاست؟

من که این کلمات را می نویسم □□ می گویم بله، انبوه مردم ما، "کسانی که سفره های خالی خود را در خیابانهای کرج، مریوان، تهران، شیراز، آذربایجان، لرستان، کردستان و خوزستان به عنوان یک اقدام اعتراضی پهن می کنند، چندین دهه است که می دانند و هر روز با گوشت و پوست خود لمس می کنند که چگونه رژیم اقتدارگرای اسلامی نمایند □ منافع تعداد محدودی از باندهای غارتگر جامعه است. آنها شنیده اند و درک می کنند که بیش از هفتاد درصد از سپرده های بانکی متعلق به تنها یک درصد از جامعه است، گردش نقدینه و پول انحصاراً در اختیار بخش ناچیزی از افراد جامعه قرار دارد. شرکتهای مضاربه ای و رباخواری اسلامی، خانه خرابشان کرده و به ورطه "مال باختگی" پرتابشان کرده است. آنها می دانند که این همه معنای ساده ای دارد. وحشیگری کامل و خشونت سازمان یافت □ حکومت اسلامی مدافع سرمایه داری.

امروز همه به این نتیجه رسیده اند که برای رهایی از این بردگی، باید این نظام ناپدید شود. البته مردم ستم دیده اما آگاه، وقتی

مطالب حقوق خود می کنند و برای باز پس گرفتنش بپا می خیزند عزم آن دارند که رژیم را سرنگون کنند. چهل سال است در برابر سرکوب، هم التماس می کنند و هم مقاومت. اما نه التماسشان بجائی می رسد و نه مقاومتشان با دستهای خالی ثمری می دهد. پس حتی اگر مردم روزی - که بدلیل رفتار این رژیم - دیر نیست، خود را سازماندهی کنند و به دفاع مسلحانه برخیزند، بدون شک حق دارند که بخواهند دستگاه سرکوب را درهم بشکنند.

حکومت اسلامی ایران، هم در بازار کار و هم در بازارهای مالی و اینروزها بیش از پیش در خیابانهای زندان بزرگی بنام ایران، مردمان را بگونه ای وحشیانه اسیر تحریم خارجی از یکسو و از دیگرسو زیر سرنیزه و سلط نظامی که بنام دولت، قانون جنگل جاری کرده و بشکل انحصاری، قوا قهریه را قبضه کرده است قرار دارد. مردم این کشور غارت شده که زنجیر ارتجاع، استعمار و استبداد و استثمار، بر دست و پایش بسته شده است، حق رهایی دارند و تحقق این حق جز با برهم زدن این معادل ناعادلانه به دست نخواهد آمد.

بله، این یک جنگ طبقاتی است. انقلاب است

و "وای برملت که انقلابی را شروع کند و آنرا به پایان نرساند".

(*)

مهدی محمودیان، روزنامه نگار در تویتر خود به نقل از یک شاهد عینی نوشت: "یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه ای واقع در شهر قدس می اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می برند. او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است. امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و شناخته اند از دسترس خارج اند."

[mehdi mahmoudian](https://www.instagram.com/mehdi_mahmoudian)

[MahmoudianMe](https://www.instagram.com/MahmoudianMe)

یک نفر باصورت پوشیده جسمی آتش را به داخل داروخانه ای واقع در شهر قدس می اندازد، مردم او را گرفته و داخل یک بنگاه املاک می برند.

او یکی از اعضای ارشد یکی از نهادهای شبه نظامی محله بوده است.
امروز او آزاد است و تقریباً همه کسانی که در آن بنگاه او رادیده و
شناخته‌اند از دسترس خارج‌اند

[۷'۸۱۴](#)

[۱۱:۴۵ - ۵ آذر ۱۳۹۸](#)

—